

جان باختن سارا دلدار بر اثر عفونت ناشی از اصابت گلوله در اعتراضات ۱۴۰۱



گزارش کانون حقوق بشر ایران ۱۹ شهریور، ۱۴۰۳

زندانی سیاسی سارا دلدار از بازداشت شدگان اعتراضات سراسری ۱۴۰۱، بعد از گذشت ۹ ماه از آزادی مشروط بر اثر گسترش عفونت ناشی از وجود ساچمه در بدن و سرش روزشنبه ۱۷ شهریور در بیمارستان رشت فوت کرد

به گزارش کانون حقوق بشر ایران، دوشنبه ۱۹ شهریورماه ۱۴۰۳، سارا دلدار از بازداشت شدگان اعتراضات سراسری ۱۴۰۱، نه ماه پس از آزادی مشروط به دلیل عفونت ناشی از وجود ساچمه در بدن در بیمارستانی در رشت درگذشت.

بنا بر گزارشات رسیده از منابع موثق، زندانی سیاسی سارا دلدار از بازداشت شدگان اعتراضات سراسری ۱۴۰۱، که در زندان لاکان رشت زندانی بوده و مورد شکنجه هم قرار گرفته بود و سرانجام در دیماه ۱۴۰۲، به صورت مشروط به منظور درمان آزاد شده بود بعد از گذشت ۹ ماه از آزادی مشروط بر اثر گسترش عفونت ناشی از وجود ساچمه در بدن و سرش روزشنبه ۱۷ شهریور در بیمارستان رشت فوت کرد. سارا دلدار از ۶ ماه قبل در زندگی نباتی به سر می برد.

سارا دلداری پرستار شجاع و غیرتمندی بود که در جریان خیزش سراسری سال ۱۴۰۱، به مجروحان رسیدگی می‌کرد و تنها ۲۸ سال سن داشت.

مقامات اطلاعاتی، در آستانه سالگرد اعتراضات ۱۴۰۱ به خانواده سارا دلداری فشار آورده‌اند که درگذشت او را علنی نکنند. به همین دلیل مراسم تدفین وی تنها با حضور تعداد محدودی از افراد خانواده انجام شد.

دل‌نوشته‌های سارا دلداری در پیچ شخصی‌اش

سارا دلداری پیش از این در پیچ خود نوشته بود:

«فردا روزی که یک سال پیش از دادگاه مستقیم به #زندان_لاکان_رشت برده شدم هیچ حس و درد و ترسی نداشتم یا حتی نگفتم با خودم کاش این کارو نمی‌کردم چون من کاری نکردم جز اینکه زخمیا رو نجات دادم و جراحی کردیم و سکوت نکردم در برابر وجدانم و وجز قلمی که جز راستی هیچ ننوشت

روزها گذشت داخل زندان و تا حکم اومد دو تا جرم یک سال و سه ماه و ده روز و شش ماه و خورده ای موندم و ازادی مشروطم اومد این مدت هر چقدر هر ثانیه چه چیزایی گذشت و بگم بازم کمه از بهداشت از دعوها از سرما از گرما از اینکه آرزوت باشه ماه و آسمونو ببینی ولی خب همه این چیزا و صد برابرش برای وطن کمه وقتی که اومدم به هیچ کس نگفتم تا استقبال نیان تا هیچ گلی نیارن وقتی آزادی هیچ معنی نداشت

روزها گذشت همش فکر و ذهنم زندان بود پیش دخترایی که کمکشون کردم ترک کردن پیش اینکه وای دعو نشه وای برف نیاد سردشون میشه حتی غذاهایی که هوس کرده بودن برام درست میکردن نمی‌خوردم تا اینکه گفتم اینجوری نمیشه باید بلند شم مثل همیشه رفتم سر کار خودم از صبح تا شب درگیر کردم تا برسم خونه بخوابم و فکری نکنم همه رو محل کار خندوندم و انرژی دادم تا اینکه کم کم مریض شدم پیگیری کردم دکتر رفتم تا اینکه هر روز بدتر عفونت و هنوز از دومین ماه که زندان بودم پریود شدم دیگه نشدم تا الان تو زندان فشار عصبی گرفتم و بعد مشکلا دیگه گفتم شایدچون من کبدم مشکل داشت

این عفونتا رو گرفتم یه هفته بیمارستان خوابیدم دیگه آدم قبل نبودم ضعیف ضعیف شدم کم‌خونی شدید و بزرگ شدن طحال و کلیه و

تخمدان بعد دیدم بچه‌هایی که از زندان اومدن خیلایشون بیماری زمینه‌ای گرفتن.

ولی با تمام این رنج‌ها دردا ساچمه‌ی تو بدنم و سرم هر لحظه ناخودآگاه میبینم خیابون پر از صدای تیر و خون، رژه میرن تو ذهنم و جز مشت کردن ناخن داخل گوشتم هیچ تسلی نیست، ولی باز هم با تمام وجود به تمام شیر زنان سرزمینم افتخار میکنم و روحم پیش خواهرای تو بند که تمام رنجاشونو دیدم و باهاشون زندگی کردم ...»

نقض اساسی حقوق بشر با سرکوب و زندانی کردن معترضان

زندانی کردن معترضان به وضعیت موجود در ایران نقض چندین ماده از قوانین حقوق بشر بین‌المللی است. این قوانین بین‌المللی در اسناد مختلفی، از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، به صراحت بیان شده‌اند. برخی از موارد نقض قوانین حقوق بشر در رابطه با این موضوع به شرح زیر است:

حق آزادی بیان و عقیده:

طبق ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، هر فردی حق دارد عقاید خود را به‌طور آزادانه بیان کند، و این حق شامل آزادی جست‌وجو، دریافت و انتشار اطلاعات و ایده‌ها، بدون مداخله از سوی مقامات دولتی است. بازداشت معترضان به دلیل ابراز عقیده، نقض آشکار این حق است.

حق آزادی تجمع مسالمت‌آمیز:

ماده ۲۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۲۱ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بر حق مردم برای تجمع مسالمت‌آمیز تأکید دارند. بازداشت و سرکوب معترضان مسالمت‌آمیز، نقض این حق محسوب می‌شود.

ممنوعیت شکنجه و رفتارهای غیرانسانی:

ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی شکنجه و رفتارهای غیرانسانی و تحقیرآمیز را ممنوع کرده است. گزارشهای زیادی از شکنجه و بدرفتاری با معترضان بازداشت‌شده در ایران وجود دارد که نقض این ماده را نشان می‌دهد.

حق دادرسی عادلانه:

طبق ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، هر فردی حق دارد که پرونده‌اش در دادگاهی عادلانه، علنی و توسط یک دادگاه مستقل و بی‌طرف بررسی شود. در بسیاری از موارد، معترضان در ایران بدون دسترسی به وکیل و محاکمه عادلانه بازداشت و محکوم می‌شوند، که این امر نقض این حق است.

حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی:

ماده ۱۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر تصریح می‌کند که هر فردی حق دارد از زندگی، آزادی و امنیت شخصی برخوردار باشد. بازداشت‌های خودسرانه و بدون دلیل قانونی از سوی مقامات، نقض این حق اساسی است.

در مجموع، سرکوب و زندانی کردن معترضان در ایران نقض صریح چندین ماده از اسناد بین‌المللی حقوق بشری محسوب می‌شود و این اقدامات از سوی نهادهای حقوق بشری بین‌المللی به‌شدت مورد انتقاد قرار گرفته است.

کانون حقوق بشر ایران

۱۹ شهریور، ۱۴۰۳